



پژوهش در حکم فقه فیلتر (شبکه‌ها، تلویزیون، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی)

محمد مهدی محب‌الرحمان *

سیف‌الله صرامی **

محمد علی محب‌الرحمان ***

چکیده

مقاله پیش‌رو، پاسخ این مسئله است: «آیا دلیل فقهی بر جواز یا وجوب فیلتر و مسدود کردن شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد؟ این دلیل یا ادله کدام‌اند؟»

براساس این پژوهش و با تکیه بر آرای فقیهان بزرگ می‌توان چنین نتیجه گرفت: اصل اولی، حرمت منع دسترسی دیگران به صفحات اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی مجازی است و از دلیل حرمت حفظ کتب ضلال نمی‌توان برای وجوب فیلتر بهره برد. اگر شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی مصداق منکر باشند، می‌توان از دلیل نهی از منکر بر وجوب فیلتر استفاده کرد. ضمن اینکه اگر این عمل مستلزم ضرر جانی و مالی و یا حتی تصرف در اموال باشد (که معمولاً این‌گونه است) اذن حاکم شرع لازم است.

کلیدواژگان: سایت، فیلترینگ، ماهواره، کتب ضلال، نهی از منکر، ظلم، ایذاء.

mohamad61.30@gmail.com

sarrami.sayfollah@isca.ac.ir

ali.moheb1980@gmail.com

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، نویسنده مسئول

** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

*** استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱۵

مقدمه و تبیین موضوع

فیلتر (الرقابة / Filter) واژه‌ای انگلیسی است. برگردان فارسی آن «صافی» و «پالایه» است (معین: ذیل واژه «فیلتر») که برای پالایش به کار می‌رود. بنابراین، فیلتر اینترنتی ابزاری برای محدود کردن بهره‌گیری از وب‌گاه‌ها و خدمات اینترنتی یا منع دسترسی به آنها خواهد بود؛ همچنان‌که فیلتر شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی مجازی هم وسیله‌ای برای محدود کردن و منع دسترسی مخاطبان به این شبکه‌هاست. فرایند استفاده از این ابزار برای منع دسترسی استفاده‌کنندگان نیز «فیلتر کردن / فیلترینگ» نام دارد.

از لحاظ موضوع، پالایش و فیلتر کردن یا در امور خارجی (به معنای عرفی) است (مثل جدا کردن و پاک کردن حبوبات که در آن دانه‌های ناسالم از سالم فیلتر می‌شوند) یا در امور دینی و معنوی که شاید بتوان از آن به «ایمان» تعبیر کرد: ایمانی که از تأثیر تمایلات قوای نفسانی غضبیه و شهویه جلوگیری می‌کند.

مصدق دیگری از فیلتر کردن، پالایش در امور مجازی مانند اینترنت و ماهواره است که از جدیدترین ساخته‌های انسان به شمار می‌آید. در این نوع پالایش، شخص فیلترکننده، مانع ورود اطلاعات و داده‌های الکترونیکی خاصی می‌شود و در نتیجه، داده‌ها به صورت پالایش شده در اختیار کاربر قرار می‌گیرد؛ مسئله‌ای که این مقاله در پی بحث از حکم فقهی آن است.

درواقع، آنچه در این مقاله بحث و بررسی می‌شود، پاسخ به این مسئله است که: «آیا می‌توان دلیل فقهی بر جواز یا وجوب فیلتر و مسدود کردن شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی اقامه کرد؟ این دلیل یا ادله کدام‌اند؟»

پیشینه و ادبیات تحقیق

پژوهش درباره اصل فیلترینگ و منع دسترسی دیگران به شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی، به دلیل تازگی این ابزارها، چالش جدیدی است و

هیچ‌گونه بحثی از ماهیتشان در کتاب‌های روایی و فقهی وجود ندارد.

مقاله پیش‌رو، نخست، به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اصل اولی بر جواز فیلترینگ است یا حرمت آن؟ در رابطه با این مسئله که به‌طور مشخص در روایات و کتاب‌های فقهی از آن بحث نشده و از مباحث مستحدثه به‌شمار می‌آید، از روش بحث در موضوعات فقهی و روایی استفاده می‌شود؛ افزون‌براین، از ادله فقهی‌ای که قاعده یا موضوع کلی را بیان می‌کنند و موضوع مستحدثه، از آثار و مصادیق آن و در نتیجه، پیرو حکم آن است، بحث و بررسی می‌شود. همچنین، این مقاله در تبیین حکم اولی فیلترینگ، از سخنان فقیهان بزرگی مانند شیخ طوسی، صاحب جواهر، مرحوم نائینی و شیخ انصاری در موضوعاتی مانند حرمت ایذاء، حرمت ظلم و نفی سلطه بر دیگری بهره می‌برد که فیلترینگ و منع دیگران می‌تواند از مصادیق و آثار آنها قرار گیرد.

در بخش دوم، حکم وجوب فیلتر در موارد ویژه، مانند وجود منکر بررسی می‌شود. این پژوهش برای بیان ادله جواز بمعنی‌الاعم فیلترینگ، این موضوع را بر موارد مشابه مثل کتب ضلال که در گذشته وجود داشته، تطبیق داده و از روایات و متون فقیهان بزرگی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی تا امام خمینی و آیت‌الله خوئی در دو باب کتب ضلال، و امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرده است.

ضمن اینکه در پایان این پژوهش، باتوجه به احتمال ضرری که در بعضی از فروض فیلتر مطرح شده است، فرعی نیز به بحث لزوم اجازه از حاکم اختصاص داده شده است.

۱. حکم اولی فیلترینگ

جایگاه و محل بحث از «منع دیگران» در فقه چندان روشن نیست؛ زیرا بسیاری از فقیهان اصلاً چنین بحثی را مطرح نکرده‌اند و برخی آن را نه مسئله و موضوعی مستقل، بلکه امری فرعی و تبعی دانسته و به‌شکلی اجمالی در خلال مباحث گوناگون مطرحش نموده‌اند؛ به‌ویژه که تمرکز بحث در این موضوع، منع در فضای مجازی باشد که از مسائل

مستحدثه به شمار می‌آید و ادله فقهی، اصلاً از ماهیت‌شان سخنی به میان نمی‌آورند. بنابراین، تنها از روش بحث در این گونه موضوعات استفاده می‌شود و از لایه‌لای گفته‌های دانشمندان متقدم و متأخر، سه دلیل برای تعیین اصل اولی در این مسئله بیان می‌شود که به‌زعم نویسنده، موضوع فیلترینگ و منع دیگران می‌تواند از آثار و مصادیق آنها شمرده شود.

۱-۱. دلایل

۱-۱-۱. دلیل یکم: حرمت ایذاء مؤمن

کلمه «ایذاء» طبق کتاب العین (فراهِیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ص ۲۰۶) از «أذى» و یا طبق مجمع البحرین (طریحی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۴) از مصدر «أذا» اخذ شده که به‌معنای «هر آنچه به‌وسیله آن اذیت می‌شود» و «ناخوشایند» تعریف شده است. مرحوم مصطفوی نیز در التحقیق، «أذى الرجل» را به «وُصل الیه المکروه» معنا کرده است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۱، ص ۶۵). بنابراین، یکی از موضوعاتی که از آن در برداشت حکم فیلتر می‌توان بهره برد، ایذاء است؛ زیرا فیلتر و منع کردن از دسترسی به اطلاعات الکترونیکی موجب اذیت شدن و از مصداق ایذاء به‌شمار می‌آید.

حرمت ایذاء مؤمن از مسائل پذیرفته‌شده‌ای است که فقیهان کمتر به اثبات حرمت آن پرداخته‌اند، ولی به‌عنوان کبرای اثبات‌شده در ابواب مختلف فقه به آن استناد کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۲۹؛ عراقی، ۱۴۲۱ق: ص ۳۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۳۴۵؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۲۱ق: ص ۱۷؛ ایروانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۲۸؛ ترکمان، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۰۹؛ حسن کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق: ص ۳۴؛ جواد تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۱۹).

در این میان، برخی از فقیهان به ادله حرمت ایذاء نیز اشاره داشته‌اند. برای نمونه، صاحب جواهر ادله اربعه را در حرمت ایذاء می‌داند (۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۷۴). او براساس تحقیق خود (همان: ج ۴۱، ص ۴۹)، دلیل کتاب بر حرمت ایذاء را این آیه دانسته است:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾: و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند، بار بهتان و گناه آشکاری را به‌دوش کشیده‌اند (احزاب: ۵۸).

از سنت نیز روایت صحیحۀ هشام نمونه مناسبی است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِثِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ الْحَدِيثُ: شنیدم امام صادق ۷ می‌فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: با من اعلام نبرد کند کسی که بنده مؤمن مرا اذیت کند، و از غضب من ایمن باشد کسی که بنده مؤمن مرا گرامی بدارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۲۶۴).

برخی دیگر از فقیهان نیز مانند شیخ انصاری (۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۵۳)، مرحوم اصفهانی (۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۳۴۵) و آیت‌الله سبحانی (۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۴۷۷، ۸۱۲ و ۸۱۳) ایذاء را با ظلم که حرمت آن از مستقلات عقلی نیز به‌شمار می‌رود، در یک رده آورده‌اند.

۱-۱-۱. تطبیق بحث

در تطبیق بحث و استفاده حرمت فیلتر کردن از ادله حرمت ایذاء مؤمن می‌توان گفت فیلتر و منع کردن دیگران از دسترسی به محتوای الکترونیکی صفحات وب و شبکه‌های تلویزیونی از مصادیق اذیت شمرده می‌شود؛ زیرا «فیلتر و منع کردن افراد از استفاده از اینترنت و تلویزیون مورد کراهت و ناخوشایند کاربران آنهاست»؛ ضمن اینکه، ادعای انصراف حکم ایذاء از این‌گونه مصادیق، بعید و برخلاف اصل است. بنابراین، بر فرض ثبوت حرمت ایذاء، منع و فیلتر کردن نیز حرام خواهد بود.

البته لازم است گفته شود طبق این دلیل که فقط ایذاء مؤمنان حرام است، فیلتر کردن مخاطبان مؤمن، ممنوع و حرام شمرده می‌شود.

۱-۲. دلیل دوم: حرمت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران

از دیگر ادله‌ای که بر حرمت «فیلتر کردن» و «منع دیگران» می‌تواند دلالت داشته باشد، حرمت «ظلم» و «تجاوز به حقوق دیگران» است.

فراہیدی در کتاب العین، یکی از معانی ظلم را «گرفتن حق دیگری» بیان کرده است (۱۴۱۰ق: ج ۸، ص ۱۶۳). صاحب المحيط فی اللغة (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ص ۳۲) و حمیری در شمس العلوم (۱۴۲۰ق: ج ۷، ص ۴۲۴) علاوه بر این معنا، به معنای اصلی ظلم اشاره کرده که «وضع شیء در غیر موضع خود» است. ابن اثیر در النهاية (بی‌تا: ج ۳، ص ۱۶۱) و ابن منظور در لسان العرب (۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۳۷۳) نیز ظلم را به معنای «جور»، «تجاوز از حق» و همچنین، «منع کردن» (همان، ص ۳۷۴) دانسته و «ظلمة» را هم به معنای «منع‌کنندگان از حق صاحب حق» بیان کرده است (همان).

با دقت در معناهایی که برای ظلم ذکر شد، درمی‌یابیم که همه از مصادیق «وضع الشیء فی غیر موضعه» هستند: چه «گرفتن حق دیگری» باشد، چه «منع کردن دیگری» و چه «تجاوز از حق» (عبدالمعظم، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۵۰).

ازدیگرسو، حرمت ظلم و تجاوز از مهمترین احکام نقلی و عقلی به‌شمار می‌آید؛ تاجایی که «عدل الهی» که مفهوم مقابل ظلم است، یکی از اصول دین نام دارد. به‌دیگرسخن، ظلم کردن به حکم عقل قبیح شمرده شده و عقل، انسان ظالم را مذمت می‌کند و مستحق عقاب می‌داند؛ این درک و حکم عقل بدون کمک گرفتن از شرع دست‌یافتنی است. درواقع، قبح ظلم را مستقل عقلی می‌انگاریم؛ یعنی عقل به‌طور مستقل و بدون توجه به حکم شرع، به قبیح و ناروا بودن ظلم حکم می‌کند (مظفر، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۱۱-۲۳۰). فتوای فقیهان نیز در رویارویی با ظلم بودن یک مسئله، گاه حکم تکلیفی مثل حرمت و گاه حکم وضعی مثل ضمان است (برای نمونه، رک: شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱، ص ۲۰۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۳۴۵؛ سبحانی، ۱۳۷۱: ص ۲۰۷). همچنین،

برخی فقیهان به طور خاص به حرمت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران تصریح کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ص ۲۱۱).

۱-۲-۱-۱. تطبیق بحث

در تطبیق این نتیجه بر حکم فیلتر کردن گفته می‌شود: از آنجاکه «منع کردن دیگران» از دسترسی به شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی، و «فیلتر کردن» مصداق «ظلم» و «تجاوز به حقوق انسان» شمرده می‌شود، به عنوان حکم اولی، «حرام» خواهد بود.

البته پیداست که مواردی از «فیلتر و منع دیگران از دسترسی به صفحات وب و ...» که مصداق ظلم قرار نگیرد، مانند حالاتی که شارع به لزوم منع حکم می‌کند، از دایره حرمت خارج خواهد بود: همچنان که از دایره ظلم نیز خارج است.

۳-۱-۱. دلیل سوم: حق تسلط انسان بر خود

حق تسلط انسان بر جان و مال خودش، که آن را «قاعده تسلط یا سلطنت» می‌نامند، بر این دلالت دارد که انسان بر اموال، حقوق و نفس خود مسلط است و می‌تواند هرگونه استفاده و تصرفی انجام دهد. درواقع، طبق این قاعده، هر استفاده و تصرفی جایز است، مگر دلیلی بر حرمت آن اقامه شود. بنابراین، دیگری نمی‌تواند مانع سلطنت و تسلط او شده و وی را به انجام یا ترک کاری مجبور نماید.

فقیهان بزرگی در لابه‌لای گفته‌های خود در کتب فقهی به این قاعده اشاره‌هایی داشته‌اند و برخی نیز به حجیت آن تصریح کرده و دلایلی را نیز بر آن اقامه نموده‌اند؛ از این رو، می‌توان گفت فقیهان بر کلیت این قاعده متفق القول هستند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۱۷۶؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۳، ص ۷۰؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۹۸؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۳۸۱؛ خوئی، ۱۴۱۸ق: ج ۲۳، ص ۳۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۲۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: الف: ج ۱، ص ۲۳۹؛ اراکی، ۱۴۱۳ق: ص ۸۴؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ص ۱۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۳۶).



دلیل اول این قاعده، مرسله مشهوره «از پیامبر اکرم 6 است: «النَّاسُ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ: مردم بر مال های خود مسلط اند» دانسته شده که این ای جمهور آن را در عوالی اللثالی چهار بار آورده (احسابی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۲۲۲، ۹۹ق: همان: ص ۴۵۷، ۱۹۸ق: همان: ج ۲، ص ۱۳۸، ۳۸۳ق: همان: ج ۳، ص ۲۰۸، ۴۹ق: و علامه مجلسی نیز در بحار الانوار آن را نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۷۲).

البته هرچند سندی بر این روایت گزارش نشده، اما با توجه به ادعای شهرت (امام خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۲۲) یا تواتر (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۵۳۹) و همچنین، نقل کثیر فقیهان بر مبنای جبران ضعف سند به عمل اصحاب یا پذیرش اجماع فقیهان در عمل به روایت - به حدی که مخالفی در رد آن یافت نشده - می توان روایت را پذیرفت (برای نمونه، رک: شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۱۷۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۳۵۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ص ۲۴۷؛ همان: ج ۱۶، ص ۹۲؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۷۹، ۲۰۸، ۵۲۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۳۸۶؛ همان: ج ۴، ص ۴۲، ۱۵۸، ۳۱۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۱۴۹؛ همان: ج ۴، ص ۷۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۱۱۳؛ همان: ج ۸، ص ۲۱، ۳۳۰، ۳۳۶؛ یوسف بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۸، ص ۶۵، ۳۶۲، ۳۹۶؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۲۷۷؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۸، ص ۲۹۸؛ همان: ج ۲۱، ص ۸۴.

از نظر دلالت نیز می توان گفت: «وقتی انسان ها بر مال خود تسلط دارند»، پس «به طریق اولی» و به قیاس اولویت «بر نفس خود هم تسلط دارند». از این رو، فقیهان بزرگی مانند مرحوم اصفهانی (۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۳۸۱)، آیت الله خوئی (۱۴۱۸ق: ج ۲۳، ص ۳۱)، آیت الله گلپایگانی (۱۴۱۳ق الف: ج ۱، ص ۲۳۹)، آیت الله اراکی (۱۴۱۳ق: ص ۸۴) از این قاعده با عنوان «النَّاسُ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ» یا «تسلط الناس على حقوقهم و أموالهم» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۵، ص ۲۲۸) یاد می کنند. بنابراین «منع کردن» دیگری، که از مصادیق تسلط بر اوست، مخالف مدلول این روایت و «حرام» خواهد بود.

باتوجه به آنچه در اثبات حق تسلط شخص بر اموال، حقوق و نفس خود گفته شد، «غیرنافذ و ممنوع بودن فرمان و انشای شخص دیگر که ناقض سلطنت شخص بر نفس خود باشد» و «نفی تسلط حتی یک درصدی بر دیگری» که تعرض به حقوق (توابع نفس) اوست، روشن می شود. بنابراین، «منع دیگران از دسترسی به شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی»، که در واقع، منع عملی و تعرض به حقوقشان (توابع نفس) است، «ممنوع» و «حرام» شمرده می شود. البته، واضح است که در فروزی مانند «ولایت الهی»، «سلطنت انسان بر خود نیز سلب شده» یا «سلطنت دیگری بر انسان ثابت می شود».

۲-۱. نتیجه

باتوجه به ادله و توضیحاتی که گذشت، می توان چنین نتیجه گرفت: نخست، ایذاء، ظلم، منع کردن و تجاوز به حقوق دیگران حرام است؛ دوم، فیلتر کردن شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی نیز که مصداق نتیجه نخست دانسته می شود، ممنوع و حرام خواهد بود؛ سوم، منع کردن دیگران از دسترسی به اطلاعات و داده ها، که دخالت در حق سلطنت شخص بر حقوق و نفسش به شمار می آید، حرام است. بنابراین اصل اولی در این مسئله، حرمت منع دسترسی دیگران به شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی است.

۲. دلایل وجوب فیلتر

۲-۱. دلیل یکم: حرمت حفظ کتب ضاله

از آنجاکه برخی شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی مصداق ضالّ و گمراه کننده قرار می گیرند، ممکن است از این دلیل برای جواز بمعنی الاعم و وجوب منع و فیلتر کردن این صفحات و شبکه ها استدلال شود.

توضیح آنکه، در هیچ یک از مستندات این حکم کلمه «کتاب» نیامده، بلکه صفات یا قیدهایی مانند «لهو الحدیث»، «قول الزور» و «ظلم» (در استدلال عقلی) آمده که موضوع حکم را گسترش می دهد و همان طور که صاحب جواهر می نویسد، مقتضای این ادله «حرمت هر آنچه در آن گمراهی باشد» (۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۵۸) است؛ بنابراین، به سادگی بر شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی ضاله قابل تطبیق خواهد بود. همچنین، این حکم به موضوع مسائل اعتقادی و مانند آن اختصاصی ندارد، بلکه هر امری را دربر می گیرد که ضلال و فساد محض باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۹۳).

افزون براین، حکم حرمت حفظ کتب کفر و ضلال را، با تعابیر گوناگون، تقریباً همه عالمان متقدم و متأخر مانند شیخ مفید در المقنعة (۱۴۱۰ق: ص ۵۸۸)، شیخ طوسی در النهایة (۱۴۰۰ق: ص ۳۶۵)، علامه حلی در تذکرة (۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۱۴۳)، سیدعلی طباطبائی در ریاض المسائل (۱۴۱۸ق: ج ۸، ص ۱۶۴)، نراقی در مستند الشیعه (۱۴۱۵ق: ج ۱۴، ص ۱۵۷) شهید اول در لمعة (۱۴۱۱ق: ص ۹۲) شهید ثانی در شرح لمعة (۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۲۱۴) پذیرفته اند. همچنین، عالمانی مانند شیخ انصاری در مکاسب (۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۳۳) و مرحوم خوانساری در جامع المدارک (۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۲۱) نیز حکم حرمت را بلاخلاف دانسته اند؛ حتی مخالفت با ضلال گاه تا آنجا پیش رفته که برخی مانند آیت الله منتظری هجو اهل ضلال را جایز شمرده اند (۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۷۳).

ولی درمقابل، صاحب حدائق قائل به توقف شده است، زیرا: «نصّی وجود ندارد و تحریم، وجوب و مانند آن از احکام شرعی متوقف بر دلیل شرعی است و مجرد استدلال های شایع در کلام عالمان نزد من برای تأسیس حکم شرعی صلاحیت ندارند» (یوسف بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۸، ص ۱۴۱). او تا آنجا پیش رفته است که می نویسد با این دلایل که مانند تیر در تاریکی است، نمی توان حکم شرعی تعیین کرد (همان: ص ۱۴۲). همچنین از معاصران نیز عالمانی مانند آیت الله خوئی (۱۴۲۶ق: ص ۳۹۹) و آیت الله جوادی تبریزی (۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۴۰) در ادله آن تشکیک کرده اند.

باوجود این، دلیل اول بر حرمت حفظ کتب ضلال را حکم عقل به قطع ماده فساد دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۳۳)؛ ضمن اینکه، آنچه عقل بدان حکم کند، حکم شرع نیز هست (شیرازی، بی تا: ج ۲، ص ۱۷۹). بنابراین، حکم عقل و شرع بر لزوم از بین بردن ماده فساد، بر کتب ضلال که از مصادیق فساد و ماده فساد به شمار می‌آیند، جاری خواهد بود.

البته بیشتر فقیهان با روش‌های گوناگون بر این دلیل اشکال وارد کرده‌اند. مثلاً مرحوم ایروانی (۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۲۵)، آیت‌الله خوئی (۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۵۴) و سیدنتقی طباطبائی قمی (۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۱۹۳) این گونه آورده‌اند که اگر لازم بود ماده فساد ریشه‌کن شود، لازم است کافر و بلکه هر شخص گمراه از بین برود؛ همچنین، گفته‌اند که حفظ کتب ضلال از مصادیق ظلم به شمار نمی‌آید تا در نتیجه، تحت حکم عقل بر قبح ظلم قرار گیرد (روحانی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۳۳۹).

دلیل دوم این آیه کریمه است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ
يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (لقمان: ۶): «و از مردم کسانی
هستند که سخنان لهو و بیهوده را می‌خرند (مانند غنای طرب‌آور،
ترانه‌های فاسد، اشعار و گفتارهای رکیک، بهتان و غیبت سرابی، و
رمان‌ها و افسانه‌های فسادانگیز) تا جاهلانه (مردم را) از راه خداوند گمراه
سازند و آن را به‌مسخره گیرند. آنها عذابی خوارکننده خواهند داشت»
(مشکینی: ذیل «لقمان: ۶»).

طبق این دلیل، خداوند مشتری لهو الحدیث و کلام باطل را ذم فرموده است (انصاری: ج ۱، ص ۲۳۳) و ذم هم بر تحریم دلالت می‌کند (کلاتر، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۳۷۳)؛ خصوصاً که در انتهای آیه، عذاب مهین را به وی وعده داده است. البته از آنجا که ملاک مذمت خداوند و عذاب، باطل بودن کلام و لهو الحدیث است، از شراء و خریدن سلب خصوصیت شده و به هرگونه انتقال (اعطاء، تعلیم و ...) تعمیم داده می‌شود

(شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق: ج ۱، ص ۴۹). ازدیگرسو، کتاب ضلال هم جزء مصادیق لهو الحدیث و کلام باطل قرار دارد (شیرازی، بی تا: ج ۲، ص ۱۷۹)؛ بنابراین، پیرو حکم حرمت است.

باوجوداین، اشکال این است که هرچند آیه شریفه بر حرمت حفظ کتب ضلال و همچنین سایت‌ها و شبکه‌های ضلال دلالت داشته باشد، این دلالت غیر از وجوب معدوم کردن کتب ضلال و حتی منع کردن دیگران است (ایروان: ج ۱، ص ۲۵؛ خوئی، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۵۵) که از دلیل نهی از منکر برداشت می‌شود.

دلیل سوم، روایت شیخ صدوق از عبدالملک است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ إِنِّي قَدْ ابْتُلَيْتُ بِهَذَا الْعِلْمِ، فَأُرِيدُ الْحَاجَةَ فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَى الطَّالِعِ وَرَأَيْتُ الطَّالِعَ الشَّرَّ جَلَسْتُ وَ لَمْ أَذْهَبْ فِيهَا، وَإِذَا رَأَيْتُ طَالِعَ الْخَيْرِ ذَهَبْتُ فِي الْحَاجَةِ، فَقَالَ لِي تَقْضِي؟ قُلْتُ نَعَمْ، قَالَ أَخْرِقْ كُتُبَكَ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۲۶۷، ۲۴۰۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۱، ص ۳۷۰، ح ۱): از عبد الملک بن اعین روایت شده است که گفت: به امام صادق ۷ گفتم: من به این علم گرفتار شده‌ام، و از این رو، چون قصد آن کنم که در پی حاجتی روان شوم، چون در طالع بنگرم و طالع شر را بینم، فرو می‌نشینم و در پی آن حاجت نمی‌روم و چون طالع خیر را بنگرم، در پی آن حاجت روان میشوم. امام ۷ فرمود: آیا به مقتضای این دانش خود عمل می‌کنی؟ گفتم: آری. فرمود: کتاب‌هایت را بسوزان».

این روایت که از مراسلات صدوق به‌شمار می‌آید (جمعی از مؤلفان، بی تا: ج ۲، ص ۴۳)، برخی سند آن را پذیرفته و بر طبق آن استدلال کرده‌اند یا لاقول در نقل روایت، اشکالی بر سند آن نگرفته‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۴، ص ۱۲۰؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۳۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ق: ص ۲۰۲؛ منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۳۴؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق: ص ۴۳۴؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ص ۴۹). درمقابل، برخی دیگر از فقیهان، سند روایت را قابل‌خداشه

دانسته و نپذیرفته‌اند (قزوینی، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ص ۳۳۹؛ صدر، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ص ۳۲؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۴۱؛ طباطبائی قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۱۸۲). از نظر دلالت نیز جمله امری امام ۷ به «أُحْرِقْ» بر وجوب سوزاندن و از بین بردن آن کتب ضلال دلالت دارد.

باوجوداین، اشکال نخست این است که امام ۷ به از بین بردن مطلق کتب ضلال امر نمی‌فرماید، بلکه با سؤال «تَقْضِي؟» حکم «أُحْرِقْ» را به جایی محدود می‌نماید که صاحب کتاب ضلال به آن عمل کرده باشد (منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۹۶؛ فاضل لنکرانی، ص ۲۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق: ص ۴۳۴؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق: ص ۴۳۴؛ روحانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، ص ۲۶۶). بنابراین، می‌توان گفت امر امام ۷ به تأثیرگذار بودن و عمل کردن مخاطبان مشروط است.

اشکال دوم هم اینکه امر امام ۷ در این روایت، ارشادی است نه تکلیفی (مصطفی خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۱۲؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۴۱؛ شیرازی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۸۱؛ روحانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، ص ۲۶۶)؛ بنابراین، از این روایت وجوب سوزاندن، از بین بردن و در نتیجه، فیلتر و مسدود کردن صفحات وب و شبکه‌ها را نمی‌توان استفاده کرد.

در نهایت، بر فرض پذیرش این حکم، دو اشکال عمده مطرح است که مانع استفاده از ادله مختلف در موضوع این مقاله و وجوب فیلتر می‌گردد:

اشکال نخست اینکه، برخی ملاک ضاله بودن را «یقین یا احتمال گمراه شدن شخص و تقویت باطل به آنها» دانسته‌اند (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۲۱؛ روحانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۵؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق الف: ج ۱، ص ۳۴۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۹۳) و برخی نیز ملاک را «نبود غرض مشروع» دانسته‌اند (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۹۸؛ بصری بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۶-۱۷). مثل اینکه اگر هدف از نگهداری، پاسخ دادن به آنها و مانند آن باشد، نگهداری آن جایز است؛ بنابراین، تشخیص ضاله بودن برعهده مکلف گذاشته شده است. درواقع، باتوجه به «شخصی بودن این دو مسئله» و همچنین، این نکته که فقط مواردی از کتب ضلال قابلیت خرید و فروش ندارند که هیچ منفعت حلالی

برای آنها متصور نباشد (روحانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، ص ۲۶۸؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۴۳)، به نظر می‌رسد جریان حکم حرمت حفظ کتب ضلال برای فیلتر اینترنت و تلویزیون، فقط شامل مواردی می‌شوند که بی‌تردید و برای همه ضلال باشند؛ در نتیجه، صرف احتمال وجود غرض صحیح و منفعت محله برای برخی از کاربران، باعث جلوگیری از جریان حکم وجوب فیلتر خواهد بود.

اشکال دوم نیز می‌تواند چنین باشد: بیشترین چیزی که از ادله برداشت می‌شود، «حرمت حفظ، نشر، مراجعه، خواندن، استفاده و دیگر تصرفات در شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی که در بردارنده گفتار لہو یا سخن باطل باشد» است؛ ولی این کجا و منع دیگران کجا. درواقع، این ادله از اجبار و منع دیگران سخن نمی‌گوید؛ بلکه نهایتاً همان‌طور که محقق اردبیلی در مجمع الفائده (۱۴۰۳ق: ج ۸، ص ۷۶) و صاحب ریاض به آن اشاره کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۸ق: ج ۸، ص ۱۶۵)، می‌توان پذیرفت این ادله، منکر بودن را ثابت می‌کند، و نهی و منع دیگران از دلیل دیگری مثل نهی از منکر فهمیده می‌شود.

۲-۲. دلیل دوم: وجوب نهی از منکر

وجوب نهی از منکر مورد اجماع نزد مسلمانان و از اعظم واجبات شمرده شده (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۵۸؛ خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۵۰) و گاه گفته شده که از اصول دین است (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶)؛ همچنین، در قرآن کریم نیز بدان امر شده: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگاران‌اند» (آل عمران: ۱۰۴). در روایات نیز تأکید شده است که امر به معروف و نهی از منکر جزء بالاترین و شریف‌ترین فرائض اسلام است که دیگر فرائض به وسیله آن دو اقامه می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ص ۱۱۹، ج ۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۱۸۰، ح ۲۱)؛ افزون‌براین، امام خمینی در تحریر الوسیله به ضروری دین بودن آن تصریح می‌فرماید (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۶۲).

همچنین، فقیهان درباره ادله فراوان وجوب امر به معروف و نهی از منکر، به آیات قرآن (مثلاً: آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰) استدلال کرده‌اند (برای نمونه، رک: شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق: ص ۱۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۴۵۸؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷ق: ج ۱، ص ۳۹۸؛ اردبیلی، بی‌تا: ص ۳۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۳۵۷)؛ همچنین روایات فراوانی بر این امر دلالت می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ص ۱۱۷-۱۲۶، ج ۱ تا ۲۵).

علاوه بر این، فقیهان به ادله‌ای عقلی مانند قاعده لطف (شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق: ص ۱۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۴۵۷)، لزوم شکر منعم و تقویت دین (جعفر کاشف الغطاء: ج ۴، ص ۴۲۶) و منع از تحقق معصیت مولی (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴) تمسک کرده‌اند که باتوجه به مسلم و اجماعی بودن این حکم (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۵۸؛ خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۵۰؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۶۲) از بحث پیرامون ادله بسیار آن چشم می‌پوشیم و به تطبیق بحث می‌پردازیم.

۲-۲-۱. تطبیق بحث

برپایه موضوع این مقاله - که فارغ از فاسد و منکر بودن صفحه و شبکه بحث می‌کند - دلیل نهی از منکر بر جواز یا وجوب فیلتر دلالتی ندارد؛ باوجود این از آنجا که ممکن است برخی صفحات وب و شبکه‌ها دربردارنده محتوای فاسد و منکر باشند (معمولاً نیز همین قسم صفحات و شبکه‌ها فیلتر می‌شوند)، بر منع دسترسی و فیلتر کردن این صفحات استدلال می‌شود تا جلوی تحقق معصیت گرفته شود: «إِنَّ دَفْعَ إِضْلَالِ النَّاسِ مِنَ الْأُمُورِ الَّتِي يَهْتَمُّ بِهَا الشَّارِعُ الْأَقْدَسُ» (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۰۱). البته، اینکه منکر و فاسد بودن چه معنایی دارد، خود پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد.

همچنین، باید توجه داشت در صورتی از دلیل نهی از منکر برای وجوب فیلتر می‌توان استفاده کرد که نخست، علاوه بر نهی از منکر زبانی، نهی از منکر عملی نیز ثابت شده باشد، که بحث‌های مفصل آن در کتاب‌های مرتبط آمده و ثابت شده است (محقق حلی،

۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۳۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵، ص ۲۴۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق: ص ۶۱؛ فیض کاشانی، بی تا: ج ۲، ص ۵۷؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۷۷ و ...؛ شرط دیگر آنکه، وجوب نهی از منکر به مرحله عملی رسیده باشد؛ زیرا انجام فیلتر، مستلزم منع عملی و قطع دسترسی از اطلاعات و داده‌ها در صفحات وب و شبکه‌هاست. درواقع، فیلتر کردن مصداق مرتبه عملی نهی از منکر به شمار می‌آید؛ بنابراین، لازم است ناهی از منکر، مراحل قلبی و زبانی را پشت سر گذاشته باشد و پس از نتیجه نگرفتن در رفع منکر، اقدام به فیلتر و مسدود کردن شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی نماید.

همچنین، باید افزود اطلاعاتی در فیلتر از بین نمی‌رود، بلکه تنها از دسترسی مخاطب به اطلاعات و داده‌ها جلوگیری می‌شود؛ توجه به این نکته تفاوت موضوع فیلتر را با از بین بردن (حسم) منکر روشن می‌کند. درواقع، فیلتر کردن حسم منکر را در پی ندارد. بنابراین، بر فرض نپذیرفتن وجوب حسم منکر یا حتی حرمت آن، باز هم آسیبی به استفاده از ادله وجوب نهی از منکر در موضوع فیلتر وارد نمی‌شود، هرچند فیلتر کردن مستلزم انجام عمل منع دسترسی به اطلاعات و داده‌ها باشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد - اطلاعاتی در فیلتر از بین نمی‌رود و ادله وجوب نهی از منکر در مرتبه عمل برای این دلالت و مسدود کردن دسترسی به اطلاعات و داده‌ها کافی است.

البته اگر فیلتر کردن، در فروضی مانند ایجاد پارازیت مضر، موجب جراحت یا قتل باشد، طبق مشهور فقیهان (رک: صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۸۳)، نیازمند اذن امام است. در بخش سوم به این موضوع پرداخته می‌شود.

درباره وجوب نهی از منکر همه فقیهان هم‌رأی‌اند و برای آن شروطی را بیان کرده‌اند (برای نمونه، رک: شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق: ص ۳۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق: ص ۱۴۸؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۶۶؛ جعفر کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ص ۴۲۹؛ امام خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۴۶۵). بنابر اختلاف نظر فقیهان، برخی شروط از باب وجوب نهی از منکر

مطرح شده که بدون آنها اصل وجوب محقق نمی‌شود؛ چنین شروطی مانند شروط استطاعت برای حج است که تحصیل آن نیز واجب نیست. برخی دیگر از شروط نیز شرط واجب شمرده شده و انجام آنها ضروری است (برای نمونه، رک: صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۶۶؛ امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۶۵). از لحاظ تعداد شروط نیز امام خمینی چهار شرط ذکر کرده (همان)، ولی عالمانی مانند مرحوم کاشف الغطاء تا چهارده شرط را تفصیل داده‌اند (جعفر کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ص ۴۲۹). از این رو، اگر دلیل «نهی از منکر» برای حکم وجوب فیلتر و منع دیگران استفاده شود، تنها با وجود آن شروط مؤثر خواهد بود.

از جمله این شروط به شرط علم و یقین داشتن به منکر می‌توان اشاره کرد که مورد اتفاق فقیهان بزرگ قرار گرفته است (برای نمونه، رک: شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق: ص ۱۴۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۱۱۵؛ همو، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۳۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۵۲؛ همو، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۲۴۰؛ همو، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵، ص ۲۳۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق: ص ۶۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۶۶؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۳؛ محقق کرکی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۶۳؛ جعفر کاشف الغطاء: ج ۴، ص ۴۲۹). در نتیجه این شرط که بحث‌های مفصل آن در کتب فقهی استدلالی آمده، اگر علم و یقین به منکر بودن عملی وجود نداشته باشد، دیگر نهی از منکر واجب نخواهد بود.

همچنین، شرط دیگر، عدم ضرر نهی از منکر بر دیگران است که فقیهان به‌طور کلی آن را پذیرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۵۲؛ همو، ۱۴۱۱ق: ص ۹۰؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۴۷؛ همو، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ص ۲۰۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۷، ص ۵۳۹؛ جعفر کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ص ۴۲۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۳۱۱؛ محقق کرکی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۶۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق: ص ۱۴۹؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۷۱؛ امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۷۲؛ ابن‌ادریس حلی: ج ۲، ص ۲۳؛ خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۵۲). در نتیجه این شرط، اگر انجام نهی از منکر موجب ضرری بر دیگران باشد، واجب نخواهد بود.

پس در نتیجه این دو شرط، اگر علم و یقین به منکر بودن صفحات وب و شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی مجازی نباشد یا فیلتر کردن موجب ضرر بر دیگران باشد، مانند فروزی که در فیلتر مضر و خطرات پرازیت مطرح شده است، شاید بتوان نتیجه گرفت نهی از منکر و فیلتر کردن واجب نیست. البته در این باره و برای بحث‌های مفصل آن و لزوم مراعات اهم و مهم به کتب فقهی استدلالی مرتبط ارجاع داده می‌شود.

بنابراین، باتوجه به همه آنچه گفته شد، در تطبیق بحث فیلتر کردن (صغری) بر ادله نهی از منکر (کبری) می‌توان گفت:

یکم: برخی صفحات وب و شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، مصداق فاسد و منکر هستند و در نتیجه، استفاده و دسترسی به آنها نیز منکر خواهد بود (مگر در مواردی مانند پژوهش)؛

دوم: فیلتر کردن این صفحات و شبکه‌های فاسد و منکر، یکی از مصادیق جلوگیری از فساد و همان نهی از منکر است که باتوجه به آنچه در این فصل گذشت، «واجب» می‌باشد.

در نتیجه دو مقدمه فوق، فیلتر کردن، مسدود کردن و منع دیگران از دسترسی به صفحات وب و شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی مجازی فاسد و منکر واجب است؛ زیرا استفاده این کاربران از صفحات فاسد و منکر، منکر بوده و تحت ادله نهی از منکر قرار می‌گیرد. بنابراین «نهی و منع این کاربران» یا همان «فیلتر کردن» واجب خواهد بود.

۳. فرعی در لزوم اجازه حاکم

از مجموعه مباحثی که فقیهان در باب نهی از منکر مطرح کرده‌اند و به‌ویژه، صاحب جواهر مفصل‌تر به آن پرداخته (رک: صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳۸۰-۳۸۶)، می‌توان

چنین نتیجه گرفت که اگر نهی از منکر موجب جراحت در مرتکب شود یا به طور کلی، اموری که موجب ضمان در مال و یا جان شخص مرتکب منکر می شوند، نیازمند اذن حاکم شرع است (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق: ص ۸۰۹-۸۱۰؛ سار دیلمی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۶۳؛ جزایری، بی تا: ص ۲۰۲؛ امام خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۱). در این میان، بعضی از بزرگان مانند شیخ طوسی این نظر را به مشایخ شیعه نسبت می دهند (۱۳۷۵ق: ص ۱۴۹-۱۵۰) و برخی از فقیهان آن را مشهور (حسین بحرانی، ۱۴۲۱ق: ص ۴۱۶-۴۱۷) و یا اشهر (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵) بیان کرده اند؛ حتی طبق نظر امام خمینی در مراتب پایین تر و در موردی که عمل فیزیکی نهی از منکر یا امر به معروف موجب ایجاد درد در مرتکب شود، بدون آنکه موجب دیه باشد، گرفتن اذن حاکم سزاوار است (بی تا: ج ۱، ص ۴۸۰-۴۸۱؛ برای دیدن نظر مخالفان، رک: جعفر کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ص ۳۲۵؛ صاحب جواهر: ج ۲۱، ص ۳۸۰-۳۸۲). افزون بر این، برخی معتقدند امر به معروف و نهی از منکر از طریق قتل مرتکب درست نیست؛ چون با فوت مرتکب سالبه به انتفای موضوع خواهد شد: زیرا هدف نهی از منکر آن است که مرتکب منکر را انجام ندهد و با مرگ مرتکب دیگر کسی نیست که بخواهیم او را نهی از منکر نماییم (جزایری، بی تا: ص ۲۰۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵).

در مورد ضمان مالی نیز تصریح شده است که فقط آنچه منکر است باید از بین رود و اگر در حین نهی از منکر مال محترمی تلف شود، آمر در برابر آن ضمان دارد. مثلاً تصریح شده که اگر به جای دور ریختن شراب، ظرف آن شکسته شود، از آنجا که ظرف، مال محترم است، آمر در برابر آن ضمان دارد (امام خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۰).

امام خمینی، علاوه بر اینکه ائتلاف مال عامل منکر را دارای ضمان می داند، تصرف در اموال عامل را نیز به اذن حاکم منوط می کند (بی تا: ج ۱، ص ۴۸۰). حتی گفته شده هر عملی از سوی ناهی از منکر که جنبه الزام و اجبار فیزیکی دارد، محتاج به اذن حاکم است (تجلیل تبریزی، ۱۴۲۱ق: ص ۳۷۸-۳۷۹).

نتیجه اینکه، اگر امر به معروف و نهی از منکر از طریق اعمالی (مانند ازبین بردن مال، جرح یا قتل) انجام شود که در حالت عادی ضمان آورند، اجازه حاکم لازم است. در زمان غیبت، فقیهان جامع شرایط فتوا و قضا صاحب این اجازه هستند (امام خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۰-۴۸۳؛ سار دیلمی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۶۳-۲۶۴).

همچنین، طبق بیان شهید ثانی، مرجع تشخیص احترام مال و یا ضرورت ائتلاف آن، براساس صلاحیت عام رسیدگی به دعاوی توسط امام معصوم ۷، قاضی صلاحیت دار یعنی امام معصوم ۷ و یا نائب ایشان است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۶۱).

بنابراین نهی از منکر و فیلتر صفحات اینترنتی، شبکه های تلویزیونی و شبکه های اجتماعی مجازی که باعث خسارت در مال یا نفوس گردد، به ویژه در فروشی که ایجاد پارازیت ها، ضرر معتنا بهی بر جنین و ... داشته باشد (صارمی: سایت تابناک)، باید به حکم حاکم شرع صورت پذیرد.

نتیجه گیری

با دقت در همه آنچه از ادله حرمت فیلترینگ مانند حرمت ایذاء مؤمن، حرمت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، و نیز نفی سلطه انسان بر دیگری و همچنین، دلیل وجوب فیلتر و منع دیگران از حرمت حفظ کتب ضاله و امر به معروف و نهی از منکر گذشت، می توان چنین نتیجه گرفت:

یکم: اصل اولی، حرمت منع دسترسی دیگران به شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی است؛

دوم: حرمت حفظ کتب ضاله، دلیل مناسبی برای وجوب فیلتر نیست؛

سوم: در صورتی که شبکه های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه های اجتماعی مجازی مصداق منکر واقع شوند، برای حکم به وجوب فیلتر کردن این اطلاعات الکترونیکی، از دلیل وجوب نهی از منکر در مرتبه عملی می توان بهره برد؛

چهارم: اگر فیلتر کردن شبکه‌های تلویزیونی، صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی مستلزم ضرر جانی و مالی یا حتی تصرف در اموال باشد (که معمولاً چنین می‌شود) اذن حاکم شرع لازم است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر (جلدی)، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ نخست.
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب (۱۵جلدی)، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۴. احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، عوالی (غوالی) اللثالی العزیزة، قم، دار سید الشهداء للنشر، چاپ نخست.
۵. اراکی، محمد علی (۱۴۱۳ق)، رسالة فی الإراث (جلدی)، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ نخست.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدة البیان فی أحكام القرآن (جلدی)، تهران، المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ نخست.
۷. _____ (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ نخست.
۸. اصفهانی، محمد حسین کمپانی (۱۴۱۸ق)، حاشیة کتاب المکاسب، قم، أنوار الهدی، چاپ نخست.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری) (۱۴۱۵ق)، کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ نخست.
۱۰. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (۱۴۰۶ق)، حاشیة المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست.
۱۱. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ نخست.
۱۲. بصری بحرانی (محمد امین زین الدین) (۱۴۱۳ق)، کلمة التقوی، قم، سید جواد وداعی، چاپ سوم.
۱۳. تبریزی، جواد (۱۴۱۶ق)، إرشاد الطالب إلى التعليق على المکاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم.

۱۴. تجلیل تبریزی، ابوطالب (۱۴۲۱ق)، التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی 1، چاپ نخست.
۱۵. ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، مجموعه‌ای از رسائل، اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری، بی‌جا، مؤسسه خدمات فرهنگی.
۱۶. جزایری، عبدالله بن نورالدین (بی‌تا)، تحفة السنية فی شرح نخبة المحسنية، بی‌جا، بی‌نا.
۱۷. جمعی از پژوهشگران (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی) (۱۴۲۳ق)، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت : (۱۱جلدی)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت : ، چاپ نخست.
۱۸. جمعی از مؤلفان (بی‌تا)، مجلة فقه أهل البيت : (۵۲جلدی)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت : ، چاپ نخست.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت : ، چاپ نخست.
۲۰. حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۸ق)، ولایة الفقیه فی حکومت الإسلام (۴جلدی)، بیروت، دار الحجة البيضاء، چاپ نخست.
۲۱. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (۳جلدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
۲۲. حلّی، محمد بن حسن بن یوسف (فخرالمحققین) (۱۳۸۷ق)، ایضاح القوائد فی شرح مشکلات القواعد (۴جلدی)، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۳. _____ (۱۴۱۱ق)، الرسالة الفخرية فی معرفة النية (۱جلدی)، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ نخست.
۲۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام (۱۲جلدی)، بیروت، دار الفكر المعاصر، چاپ نخست.
۲۵. خمینی (امام)، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع (۵جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی 1، چاپ نخست.
۲۶. _____ (بی‌تا)، تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ نخست.

۲۷. _____ (۱۴۱۵ق)، المكاسب المحرمة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱، چاپ نخست.
۲۸. خمینی (شهید)، سیدمصطفی موسوی (بی تا)، مستند تحریر الوسيلة (۲جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱، چاپ نخست.
۲۹. خوانساری، سیداحمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۳۰. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.
۳۱. _____ (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی (۵۰جلدی)، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی ؛ ، چاپ نخست.
۳۲. _____ (۱۴۲۶ق)، مصباح الفقاهة فی المعاملات (المکاسب المحرمة)، بی جا، بی تا، چاپ نخست.
۳۳. روحانی، سیدصادق حسینی (۱۴۲۹ق)، منهاج الفقاهة (۶جلدی)، قم، انوار الهدی، چاپ پنجم.
۳۴. _____ (بی تا)، منهاج الصالحین، بی جا، بی تا.
۳۵. _____ (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق ۷ ، قم، دار الكتاب مدرسه امام صادق ۷ ، چاپ نخست.
۳۶. سبحانی، جعفر (۱۳۷۱)، فصلنامه رهنمون (استفتاء معظم له)، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۲ و ۳.
۳۷. _____ (۱۴۲۴ق)، المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، قم، مؤسسه امام صادق ۷، چاپ نخست.
۳۸. سآر دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز (۱۴۱۴ق)، المراسم العلویة فی الأحکام النبویة، قم، المعاونة الثقافية للمجمع العالمی لأهل البيت : .
۳۹. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۳۸۷ق)، جمل العلم و العمل، نجف اشرف، مطبعة الآداب، چاپ نخست.

۴۰. _____ (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم،

چاپ نخست.

۴۱. شهید اول (محمد بن مکی عاملی) (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة (۳جلدی)، قم،

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.

۴۲. _____ (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد (۴جلدی)، قم،

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ نخست.

۴۳. _____ (۱۴۰۰ق)، القواعد و الفوائد (۲جلدی)، قم، کتابفروشی مفید،

چاپ نخست (مطابق نسخه نجف اشرف).

۴۴. _____ (۱۴۱۱ق)، اللمعة الدمشقية، قم، دار الفکر، چاپ نخست.

۴۵. شهید ثانی (زین الدین بن علی عاملی) (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية

(المحشی کالانت)، قم، کتابفروشی داورى، چاپ نخست.

۴۶. _____ (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم،

مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ نخست.

۴۷. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح (۱۳۷۵ق)، هداية الطالب إلى أسرار المكاسب (۳جلدی)، تبریز،

چاپخانه اطلاعات، چاپ نخست.

۴۸. شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه) (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه (۴جلدی)، قم، دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.

۴۹. شیخ طوسی (ابوجعفر، محمد بن حسن) (۱۳۷۵ق)، الإقتصاد الیهادی إلى طریق الرشاد، تهران،

انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، چاپ نخست.

۵۰. _____ (۱۴۰۷ق الف)، تهذیب الأحکام (۱۰جلدی)، تهران، دار

الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.

۵۱. _____ (۱۴۰۷ق ب)، الخلاف (۶جلدی)، قم، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ نخست.

۵۲. _____ (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المكتبة

المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.

۵۳. _____ (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار
الکتاب العربی، چاپ دوم.
۵۴. شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان عکبری) (۱۴۱۰ق)، المقنعة، قم، مؤسسة النشر
الإسلامی.
۵۵. شیرازی، سید محمد حسینی (بی تا)، ایصال الطالب إلى المكاسب (۱۶ جلدی)، تهران، منشورات
اعلمی.
۵۶. صاحب بن عباد (کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد) (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة (۱۰ جلدی)، بیروت،
عالم الکتاب، چاپ نخست.
۵۷. صاحب جواهر (محمد حسن نجفی) (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار
إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۵۸. صارمی، ابوبالاب (رئیس مرکز تحقیقات سلولی)، سایت «تابناک» (<http://www.tabnak.ir>).
۵۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق)، هداية العباد، قم، دار القرآن الکریم، چاپ نخست.
۶۰. صدر (شهید)، سید محمد (۱۴۲۰ق)، ما وراء الفقه (۱۰ جلدی)، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر
و التوزيع، چاپ نخست.
۶۱. طباطبائی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۵ق)، منهاج الصالحین، بیروت، دار الصفوة، چاپ
نخست.
۶۲. طباطبائی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل
البيت : ، چاپ نخست.
۶۳. طباطبائی قمی، سید تقی (۱۴۱۳ق)، عمدة المطالب فی التعليق علی المكاسب (۴ جلدی)، قم،
کتاب فروشی محلاتی، چاپ نخست.
۶۴. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، حاشية المكاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ
دوم.
۶۵. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين (۶ جلدی)، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ
سوم.
۶۶. عبد المنعم، محمود عبد الرحمان (بی تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، قاهره، دار
الفضيلة.

۶۷. عراقی، آفاضیاءالدین، علی کزازی (۱۴۲۱ق)، حاشیة المكاسب، قم، انتشارات غفور، چاپ نخست.

۶۸. علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر اسدی) (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان (۲جلدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمیه، چاپ نخست.

۶۹. _____ (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمين فی أحكام الدين

(۱جلدی)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست.

۷۰. _____ (۱۴۲۰ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب

الإمامية (۶جلدی)، قم، مؤسسه امام صادق 7، چاپ نخست.

۷۱. _____ (۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت :

لأحياء التراث.

۷۲. _____ (۱۴۱۳ق الف)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و

الحرام (۳جلدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمیه، چاپ نخست.

۷۳. _____ (۱۴۱۳ق ب)، مختلف الشيعة فی أحكام الشريعة

(۹جلدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمیه، چاپ دوم.

۷۴. _____ (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب

(۱۵جلدی)، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ نخست.

۷۵. فاضل لنکرانی، محمد موحدي (۱۴۲۷ق)، تفصيل الشريعة فی شرح تحرير الوسيلة - المكاسب

المحرمة (۱جلدی)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار : ، چاپ نخست.

۷۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العين (۸جلدی)، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.

۷۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (بی تا)، مفاتیح الشرائع (۳جلدی)، قم، انتشارات

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی 1، چاپ نخست.

۷۸. قزوینی، سید علی موسوی (۱۴۲۴ق)، ینایع الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام (۲جلدی)، قم،

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمیه، چاپ نخست.

۷۹. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم،

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۸۰. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق)، أنوار الفقاهة (كتاب المكاسب)، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ نخست.
۸۱. کلانتر، سید محمد (۱۴۱۰ق)، کتاب المكاسب (المحشی) (۱۷جلدی)، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب، چاپ سوم.
۸۲. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی (۱۴۱۳ق الف)، کتاب القضاء، تقریر سید علی حسینی میلانی (۲جلدی)، قم، دار القرآن الکریم، چاپ نخست.
۸۳. _____ (۱۴۱۳ق ب)، هدیة العباد، قم، دار القرآن الکریم، چاپ نخست.
۸۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار : ، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۸۵. محقق حلی (نجم الدین، جعفر بن حسن) (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الإمامیة (۲جلدی)، قم، مؤسسة المطبوعات الدینیة، چاپ ششم (مطابق دار التقریب بین المذاهب الإسلامیة، مصر).
۸۶. _____ (۱۴۱۲ق)، نکت النهایة - النهایة و نکتها (۳جلدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ نخست.
۸۷. _____ (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (۴جلدی)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۸۸. محقق کرکی (علی بن حسین عاملی) (۱۴۰۹ق)، رسائل المحقق الکرکی (۳جلدی)، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ۱ (ج ۱ و ۲) و دفتر نشر اسلامی (ج ۳)، چاپ نخست.
۸۹. _____ (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد (۱۳جلدی)، قم، مؤسسه آل البيت : ، چاپ دوم.
۹۰. مشکینی، میرزا علی (۱۳۹۴)، ترجمه قرآن کریم، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
۹۱. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم (۱۴جلدی)، تهران، مرکز الکتاب للترجمة و النشر، چاپ نخست.
۹۲. مظفر، محمد رضا (بی تا)، اصول الفقه، قم، اسماعیلیان.

۹۳. معین، محمد (بی‌تا)، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
۹۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، فصلنامه رهنمون (استفتاء معظم‌له)، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ش ۲ و ۳.
۹۵. _____ (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهية، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین ۷، چاپ سوم.
۹۶. _____ (۱۴۲۶ق)، أنوار الفقاهة - كتاب التجارة (۱جلدی)، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب ۷، چاپ نخست.
۹۷. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، دراسات فی مکاسب المحرمة، قم، نشر تفکر، چاپ نخست.
۹۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت : ، چاپ نخست.

